اعتراض به حضور نظامی ها در تحریریه

خاطره

محمد بلوری
روزنامه‌نگار
پیشکسوت

قسمت بیست و پنجم/ روز نوزدهم مهر سال ۵۷ با ورود ۲ سرهنگ نظامی به تحریریه روزنامه کیهان اعتصاب خبرنگاران آغاز شد و همگی دست از کار کشیدیم...

ضمن پرس‌وجو فهمیدیم این دو سرهنگ به‌دستور ارتشبد اویسی فرماندار نظامی تهران به روزنامه کیهان و اطلاعات اعزام شده‌اند تا خبرها و گزارش‌های مربوط به تظاهرات و جنگ‌های خیابانی نظامیان با مردم را به‌دقت بخوانند و سانسور کنند. اعضای تحریریه که چنین سانسور بی‌سابقه‌ای را توهین به خبرنگاران می‌دانستند یکباره قلم‌ها را روی میز گذاشتند و به نشانه اعتراض به حضور نظامی‌ها در تحریریه روزنامه، دست به اعتصاب زدند. در آن لحظات شمس جانشین سردبیر روزنامه اطلاعات تلفنی با من تماس گرفت و خبر داد اعضای تحریریه اطلاعات به نشانه اعتراض نسبت به حضور یک سرهنگ از فرمانداری نظامی در این روزنامه دست از کار کشیده‌اند و از نوشتن خودداری می‌کنند. به شمس گفتم: بچه‌های روزنامه کیهان هم به‌خاطر حضور سرهنگ در تحریریه قلم‌ها را بر زمین گذاشته‌اند و اعتصابی را شروع کرده‌اند. این دو سرهنگ تا از روزنامه بیرون نروند، حاضر به ادامه کار نخواهند شد، اعتصاب خبرنگاران روزنامه اطلاعات خیالم را آسوده کرد چرا که این هماهنگی آنها در اعتصاب می‌توانست ما را در ادامه اعتراضمان ثابت‌قدم‌تر کند. همان روز در حالی که اعتصاب خبرنگاران در کیهان و اطلاعات ادامه داشت، گروه خبرنگاران دعوت شده به کاخ نخست‌وزیری بی‌خبر از این ماجرا دور یک میز در برابر مهندس شریف‌امامی نخست‌وزیر، دکتر آزمون وزیر مشاور و دکتر عاملی تهرانی وزیر اطلاعات و جهانگردی نشسته بودند تا به یک توافق برسند. در حالی که نمی‌دانستند روزنامه‌نگاران در کیهان و اطلاعات به‌خاطر حضور سرهنگ‌های فرمانداری نظامی، دست به اعتصاب زده‌اند. دبیر اتحادیه نویسندگان و خبرنگاران که در این نشست شرکت داشت، تعریف می‌کند:

- گفت‌وگوی ما با اعضای دولت مدت یک‌ساعت طول کشید، نخست‌وزیر وعده‌هایی داد و توافق لازم صورت گرفت و قرار شد از طرف دولت طی اعلامیه‌ای مسائل مورد نظر اعلام شود و چون در جریان این نشست رئیس دولت را برای دیدار با شاه به دربار خواسته بودند، تصمیم گرفته شد یک جلسه نهایی دیگر برای اجرای کامل تصمیمات اتخاذ شده داشته باشیم. در جریان این مذاکرات بود که مهندس شریف‌امامی از طرف شاه به دربار احضار شد. بنابر این قرار شد نشست نهایی بین نمایندگان مطبوعات و هیأت دولت برای رسیدن به یک توافق قطعی تا چند روز دیگر برگزار شود.

ادامه روز یکشنبه

گذشت دختر از قصاص پدر

اخبار

گروه حوادث/ دختر جوان که شاهد قتل مادرش به دست پدر خود بود در حالی از قصاص قاتل چشم پوشی کرد که برادرانش همچنان خواهان اشد مجازات برای پدرشان هستند.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ساعت ۴ بعد از ظهر یکشنبه ۲۷ آبان ۹۷ و با اعلام خبر قتل زن میانسالی در خانه‌اش به بازپرس جنایی آغاز شد. به‌دنبال اعلام این خبر بازپرس کشیک قتل و تیم بررسی صحنه جرم راهی خانه چهار طبقه‌ای در محدوده خیابان مطهری شدند. محل جنایت زیرزمین خانه بود و دختر ۱۹ ساله مقتول که ۱۵ ساعت با جسد زندگی کرده بود در تحقیقات گفت: پدرم شب قبل مقابل چشمان من، مادرم را با ضربات متعدد چاقو و چکش به قتل رساند و فرار کرد. پس از این جنایت ۱۵ ساعت در کنار جسد مادرم ماندم و بعد از آن با پلیس تماس گرفتم.

دختر جوان که اعتیاد شدیدی به مواد مخدر داشت به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران به بهزیستی منتقل شد. در حالی که بررسی‌ها برای دستگیری عامل این جنایت ادامه داشت، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت دریافتند مرد جنایتکار در یک کمپ ترک اعتیاد در شرق تهران مخفی شده است. با حضور مأموران در کمپ ترک اعتیاد مرد میانسال بازداشت شد. او زمانی که در مقابل بازپرس جنایی تهران قرار گرفت به قتل همسرش اعتراف کرد.

متهم در تحقیقات اولیه به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: او را کشتم تا دخترم را نجات دهم. همسرم مدام او را اذیت می‌کرد. آن روز هم داشت دخترم را اذیت می‌کرد. برای همین عصبی شدم. اول با چکش او را زدم اما دیدم، زنده است بعد از آن با چاقو زدم و خانه را ترک کردم. بعد از قتل ابتدا می‌خواستم به کلانتری بروم اما پشیمان شدم. چند روزی در پارک‌ها می‌خوابیدم و در نهایت هم به کمپ ترک اعتیاد رفتم. این‌طوری هم سرپناهی داشتم و هم دست پلیس به من نمی‌رسید.

او ادامه داد: من و همسرم سال‌ها با هم مشکل داشتیم. رفتارهای نامناسب و غیراخلاقی او باعث شد تا ۱۰ سال قبل طلاقش بدهم. بعد از جدایی اما در طبقه بالای خانه‌ام زندگی می‌کرد و من هم در زیرزمین ساکن بودم. اما رفتارش با دخترم بسیار بد بود و او را به کارهای غیراخلاقی وادار می‌کرد.

با اعتراف مرد میانسال به قتل همسرش او به بازسازی صحنه جنایت پرداخت. با تکمیل تحقیقات، با توجه به آنکه دختر مقتول از خون مادرش گذشت کرد اما دو پسرش خواهان قصاص پدرشان شدند، کیفرخواست مرد همسرکش صادر شد تا بزودی در دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه برود.

دردسرهای عشق معلم و شاگرد

گروه حوادث/ معلم زبان انگلیسی که دل به پسر ثروتمند بسته بود، برای راضی کردن پدرش به این ازدواج، سناریوی آدم ربایی ساختگی را طراحی کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، چندی قبل مرد میانسالی به پلیس رفت و از ربوده شدن دخترش خبر داد. او گفت: دخترم در یک مؤسسه خصوصی انگلیسی تدریس می‌کند. ساعاتی قبل از تلفن همراهش به من پیامکی داد که او را ربوده‌اند و گفت برای آزادی‌اش یک میلیارد تومان فراهم کنم. من چنین پولی ندارم و می‌ترسم آنها بلایی سر دخترم بیاورند.

وی ادامه داد: البته چند وقت قبل پسر ۳۵ ساله‌ای به خواستگاری دخترم آمد. او یکی از شاگردانش بود اما من مخالفت کردم چرا که از نظر مالی وضع خیلی خوبی داشت و اختلاف طبقاتی زیادی داشتیم. دوم اینکه سالهاست قول ازدواج دخترم را به پسر برادرم داده‌ام. از طرفی سهیل ۳۵ سال داشت و دخترم ۲۵ ساله است. تفاوت سنی آنها خیلی زیاد بود. به همین دلیل با این ازدواج مخالفت کردم. الان احتمال می‌دهم آدم ربایی کار او باشد.

با شکایت مرد میانسال تحقیقات برای یافتن دختر جوان به‌نام پریسا آغاز شد. در تحقیقات مشخص شد که آخرین بار پریسا با خواستگارش دیده شده است. بدین ترتیب احتمال دست داشتن او در این ماجرا پررنگ شد. با شناسایی خانه سهیل مأموران راهی محل شده و پریسا را در خانه او پیدا کردند.

اما دختر جوان در حالی که سهیل را بی‌گناه می‌دانست به پلیس گفت: من خودم نقشه این آدم ربایی را طراحی کردم. او زبان آموز مؤسسه ما بود بعد از مدتی خواست تا برایش خصوصی تدریس کنم. کم کم به هم علاقه‌مند شدیم و او از من خواستگاری کرد اما وقتی پدرم با ازدواجمان مخالفت کرد دنبال راهی برای راضی کردن او بودم.

یک شب در حال تماشای فیلمی خارجی در رابطه با آدم ربایی بودم. از همان فیلم الگو گرفتم و سناریوی آدم ربایی را اجرا کردم فکر می‌کردم اگر به پدرم بگویم آدم ربایان برای آزادی من یک میلیارد می‌خواهند او از سهیل کمک می‌خواهد و سهیل هم این پول را می‌دهد و بدین ترتیب پدرم به ازدواج ما رضایت می‌دهد. اما به چند ساعت نکشید که راز این آدم ربایی ساختگی برملا شد.

چند روایت از یک حادثه

سانحه برای دانش آموزان ایرانشهری

گروه حوادث/ انحراف مینی بوس سرویس دانش‌آموزان دختر ایرانشهری در نزدیکی روستای شگیم، چند مجروح برجا گذاشت.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این حادثه ساعت ۶ و ۵۵ دقیقه صبح دیروز در مسیر نیکشهر - ایرانشهر و در محدوده روستای شگیم اتفاق افتاد.

سردار تیمور حسینی، فرمانده پلیس راه کشور در این باره گفت: «براساس گزارش‌ها این مینی بوس پس از خروج از جاده روی چند دست‌انداز می‌افتد و تعدادی از دانش‌آموزان به‌دلیل برخورد با صندلی‌ها و بدنه مینی بوس، جراحات سطحی برمی دارند. راننده موفق به کنترل مینی بوس شده و سه دانش‌آموز مصدوم را به بیمارستان انتقال می‌دهد. با توجه به اینکه مینی بوس محل را ترک کرده بود، موضوع به پلیس نیز گزارش نشده است.» اما اورژانس روایت دیگری از این حادثه اعلام کرده است.

محمود رضا ناصح، رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر گفت: «این دانش‌آموزان با میانگین سنی ۱۵ سال بودند که پس از برخورد مینی بوس به کوه و واژگونی ۱۰ نفر مصدوم شدند که با سه دستگاه آمبولانس به بیمارستان انتقال یافتند. ۸ نفر از مصدومان سرپایی درمان شده و دو نفر نیز در بیمارستان محمد رسول الله(ص) تحت درمان هستند.» مسئول روابط عمومی آموزش و پرورش سیستان وبلوچستان نیز درباره علت حادثه گفت: «از ۱۶ سرنشین این مینی بوس، ۷ نفر به بیمارستان منتقل شدند که هیچ کدام جراحات شدیدی نداشتند و بریدن ترمز مینی بوس علت این حادثه بوده است.»

عکس: ایران

متهم در دادگاه:

من معتاد آبروداری بودم

گروه حوادث/ پسر معتاد که دوست پدرش را هنگام کشیدن مواد در خانه‌شان به قتل رسانده بود در شعبه چهارم دادگاه کیفری محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار «ایران»، حدود یک سال قبل مرد جوانی که با ضربه‌های کارد مجروح شده بود در یکی از بیمارستان‌های شرق تهران جان باخت. در حالی که مأموران کلانتری تحقیقات خود را برای یافتن عامل قتل آغاز کرده بودند پسر جوانی به اداره پلیس رفت و خودش را به‌عنوان عامل قتل معرفی کرد.

وی در نخستین بازجویی‌ها گفت: پدرم اعتیاد شدیدی دارد او دوستانش را به خانه می‌آورد و مواد می‌کشیدند، بار آخر جوانی را به خانه آورده بود و با هم مواد مصرف می‌کردند. بعد هم از او خواست موتورش را تعمیر کند. من از اینکه پدرم خانه را پاتوق معتادان کرده بود ناراحت بودم سر همین موضوع با او جر و بحث کردیم و بعد من سوار موتور خودم شدم و از خانه بیرون رفتم. به او گفتم وقتی برمی‌گردم دوستت اینجا نباشد. اما چند ساعت بعد برگشتم و دیدم که همچنان پسر جوان آنجا نشسته و مواد می‌کشند و موتور هم تعمیر می‌کنند. چون سر و صدای زیادی ایجاد شده بود گفتم همسایه‌ها شکایت می‌کنند. بعد به پسر جوان اعتراض و او را بیرون کردم اما با من درگیر شد و فحاشی کرد من هم عصبانی شدم تا اینکه با چاقو به من حمله کرد و یک ضربه هم به من زد من هم یک ضربه به او زدم هر دو مجروح شده بودیم ما را به بیمارستان رساندند اما مرد معتاد جان باخت. با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست پرونده برای رسیدگی به دادگاه ارسال شد. روز گذشته متهم پای میز محاکمه رفت، در ابتدای جلسه رسیدگی اولیای دم درخواست قصاص برای قاتل فرزندشان کردند و در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: من نمی‌خواستم او را بکشم از اتفاقی که افتاده پشیمانم اما من از خودم دفاع کردم.

متهم در ادامه گفت: من خودم معتاد هستم اما معتاد آبروداری هستم، نمی‌خواستم همسایه‌ها متوجه شوند خانه ما پاتوق موادکشی است اما پدرم رعایت نمی‌کرد. هر چه به او تذکر می‌دادم فایده نداشت، نمی‌خواستم همسایه‌ها از ما شکایت کنند. بعد از گفته‌های متهم و وکیل مدافع او قضات یکبار دیگر از اولیای دم سؤال کردند آیا بر درخواست خود درباره قصاص پافشاری دارند؟ که این بار اولیای دم از دادگاه یک ماه فرصت خواستند تا درباره درخواست‌شان فکر کنند و بعد تصمیم خود را به دادگاه ارائه دهند. به این ترتیب ادامه رسیدگی به یک ماه آینده و درخواست اولیای دم موکول شد.

حکم مقصران مرگ دو دانش آموز یزدی در گرجستان صادر شد

حبس و دیه

مجازات مدیر، موسس و مترجم باشگاه ورزشی

گروه حوادث/ مدیر و مؤسس باشگاه ورزشی آرمان کویر یزد و یکی از اعضای باشگاه به اتهام مرگ دو دانش‌آموز در گرجستان از سوی دادگاه محکوم شدند.

اواسط مرداد سال گذشته ۳۲ دانش‌آموز که عضو مدرسه فوتبال باشگاه ورزشی آرمان کویر یزد بودند در قالب دو تیم برای شرکت در اردویی چند روزه به تفلیس گرجستان سفر کردند. این در حالی بود که فقط مردی جوان و همسرش به‌عنوان مترجم همراه دانش‌آموزان راهی این اردو شدند و هیچ یک از مسئولان باشگاه در این اردو نبودند. به خانواده بچه‌ها گفته شده بود که این اردو تفریحی- ورزشی است و اگر کسی شرکت نکند از تیم اخراج خواهد شد و باید جریمه بپردازد. بنابراین دانش‌آموزان با هزینه شخصی راهی این سفر شدند اما دراتفاقی تلخ ۲ نفر از دانش‌آموزان به‌نام‌های محمدحسین ورمزیار و امیرمحمد کاربخش ۱۳ ساله هنگام بازی کنار رودخانه‌ای در گرجستان غرق شدند. پس از این ماجرا با شکایت خانواده قربانیان از مقصران این حادثه پرونده‌ای تشکیل و رسیدگی به ماجرا آغاز شد.

غلامعلی دهشیری رئیس کل دادگستری استان یزد صبح دیروز با اعلام خبر صدور حکم دادگاه بدوی مرگ دو فوتبالیست در گرجستان به میزان گفت: در موضوع رسیدگی به پرونده فوت دانش‌آموزان فوتبالیست یزدی در کشور گرجستان و شکایت اولیای دم از متهمین این پرونده، پس از تحقیق و بررسی در دادسرا و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰۷ جزایی ارجاع شد که با بررسی دقیق ابعاد این ماجرا و شرایط شکل‌گیری این حادثه با تکیه بر کسب شهادت شهود، اقاریر متهمان و دریافت نظریات کارشناسی، رأی صادر شد.

براساس رأی دادگاه بدوی، مدیرباشگاه ورزشی به‌دلیل اعزام ۱۲ نفرازنوجوانان عضو باشگاه به خارج از کشور بدون همراهی مربی یا مسئولی که بتواند از نوجوانان مراقبت نماید و از رفتار و مسائل مرتبط با آنان آگاه باشد به میزان ۵۰ درصد مقصر شناخته شد.

همچنین مؤسس باشگاه به لحاظ عدم نظارت کافی برعملکرد و نحوه فعالیت مدیریت باشگاه و افراد زیر مجموعه و تحت پوشش خود و همچنین به کارگیری تفویض اختیار کامل باشگاه به فردی که از لحاظ قانونی صلاحیت و رسمیت نداشته ۲۰ درصد مقصر شناخته شده است.

وی تصریح کرد: سومین متهم این پرونده که ۳۰ درصد مقصر شناخته شده است، همان فردی است که مسئولیت نقل و انتقال نوجوانان به کشور گرجستان را برعهده داشته است و با انتقال آنها بویژه در محدوده ساحلی و دریاچه و همچنین اجازه ورود آنها به داخل دریاچه در محلی ناایمن وعدم حضور نجات غریق موجب غرق شدن دو نفر از آنان شده است.

دهشیری در ادامه گفت: مدیر باشگاه از جنبه خصوصی جرم، به پرداخت ۵۰ درصد دیه کامل دو مرد مسلمان، مؤسس باشگاه به پرداخت ۲۰ درصد دیه کامل دو مرد مسلمان و فرد همراهی کننده نیز به پرداخت ۳۰ درصد دیه کامل دو مرد مسلمان محکوم شدند.

رئیس کل دادگستری استان یزد یادآور شد: علاوه بر دیه ذکر شده، مجرمین این حادثه باید یک سوم دیه کامل فوت در ماه حرام را نیز بپردازند.

همچنین ۱۸ ماه حبس تعزیری برای مدیر باشگاه، ۱۲ ماه حبس تعزیری برای مؤسس باشگاه و ۱۴ ماه حبس تعزیری برای فرد همراه تیم درکشورگرجستان، محکومیت صادر شده است.

وی خاطرنشان کرد: رأی صادر شده غیرقطعی و قابل تجدید نظرخواهی در محاکم تجدید نظراستان است. انجام تشریفات بین‌المللی و اعزام تیم کارشناسی به کشور گرجستان و برخی مسائل قانونی دیگر باعث شد تا روند صدور رأی با توجه به اهمیت موضوع بیش از یک سال طول بکشد.

اجساد قربانیان حادثه چند روز بعد از این ماجرا به یزد منتقل و تشییع شد.

امیر محمد

محمدحسین

عاملان جنایت خانوادگی کوچصفهان به زندان رفتند

گروه حوادث/ پسر ناخلف و همدستش که چهار عضو خانواده خود و دوست خواهرش را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده بودند، پس از تکمیل تحقیقات پلیس تحویل زندان شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این جنایت هولناک ساعت سه و نیم بامداد دوشنبه ۶ آبان به پلیس اعلام و در نخستین تحقیقات مشخص شد علی پرهیزکار- برنج فروش سرشناس روستای گورابسر کوچصفهان- به همراه پدر، همسر، دخترش و دختر دانشجویی که میهمان آنها بوده با چاقو به قتل رسیده‌اند. در همان صحنه جنایت تنها پسر خانواده به‌نام محمد ۲۲ ساله به‌عنوان مظنون به قتل بازداشت شد و چند ساعت بعد به این جنایات هولناک با همدستی دوستش اعتراف کرد. وی انگیزه خود را اختلاف مالی، بدبینی و مشکلات خانوادگی عنوان کرد.

«محمد» صبح روز بعد از جنایت به همراه دوستش در خانه پدری‌اش حاضر و صحنه قتل را بازسازی کرد. او در جریان تحقیقات به مأموران گفت: «حدود ساعت ۷ و نیم شب دوستم را به داخل خانه آوردم و جایی پنهانش کردم. حدود ۹ و نیم شب بود اول سراغ خواهرم رفتیم و او را کشتم و بعد از او مادر، پدر و پدربزرگم را هم با چاقو زدم. از مدتی پیش برای این کار برنامه‌ریزی کرده بودم. همه را خودم کشتم و دوستم فقط کمکم کرد. دوست و هم دانشگاهی خواهرم برای تعطیلات به خانه ما آمده بود. نمی‌خواستم او را بکشم اما آن دختر همه چیز را دیده بود و نمی‌توانستم رهایش کنم. به همین خاطر او را هم کشتم. بعد همه کمدها و کشوها را روی زمین خالی کردم و خانه را به هم ریختم تا به نظر برسد که کسی به قصد دزدی همه را کشته است. ساعت ۱۰ با ماشین پدرم به رشت رفتم و نیمه شب برگشتم و با پلیس تماس گرفتم.» همدست قاتل نیز در تحقیقات گفت: «محمد» به من گفت اگر در این کار کمکش کنم برایم در رشت یک مغازه می‌خرد اما من هیچ کسی را نکشتم.» براساس تحقیقات اولیه پلیسی و قضایی متهمان اعتیاد نداشته و در سلامت کامل عقلی دست به این جنایت هولناک زده‌اند. گفتنی است حدیث - دختر خانواده - و دوستش سارا دانشجوی رشته پرستاری و بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی خلخال بودند که برای تعطیلات به خانه برگشته بودند. متهمان روز چهارشنبه بعد از تکمیل تحقیقات پلیسی به زندان فرستاده شدند تا بزودی در دادگاه محاکمه شوند.

سارا و حدیث (قربانیان جنایت)

محاکمه پدری که دختر عصیانگرش را کشت

گروه حوادث/ دختری بدون اجازه خانواده با نامزدش به سفر رفت و پدرش به‌خاطر این سفر پنهانی چنان خشمگین شد که پس از یک درگیری، او را به قتل رساند.

به گزارش خبرنگار «ایران»، این دختر ۲۲ ساله مرداد سال جاری کشته شد و پدر ۷۲ ساله‌اش بعد از قتل فرزند، خود را به مأموران تسلیم کرد و گفت: من دخترم را کشته‌ام. آنقدر خشمگین بودم که نتوانستم خودم را کنترل کنم و از اینکه دستم به خون فرزندم آلوده شد، پشیمان هستم.

این مرد سالخورده به مأموران گفت: دخترم، نسترن سال‌ها بود که به مواد مخدر اعتیاد داشت و شیشه می‌کشید او خیلی پرخاشگر شده بود و هرچه می‌گفتیم اعتیادش را ترک کند قبول نمی‌کرد. نسترن مدت‌ها قبل هم با پسر جوانی به‌نام نادر آشنا شده بود و تصمیم داشت با او ازدواج کند. نادر چند باری به خانه ما آمده بود و برای من تعجب‌آور بود که این جوان چرا باید با دختری مثل نسترن که خیلی پرخاشگر است ازدواج کند. اما به هر حال قبول کرده بود و من هم حرفی نمی‌زدم. ما با نسترن خیلی درگیری داشتیم و با خودم می‌گفتم مدتی او را تحمل می‌کنم تا آنها ازدواج کنند و دخترم سر خانه و زندگی خودش می‌رود و همه چیز تمام می‌شود اما نشد.

من به نسترن گفته بودم تا زمانی که عقد نکرده حق ندارد شب‌ها بیرون از خانه بماند ضمن اینکه این اواخر متوجه شده بودم نادر هم قصد ازدواج با دخترم را ندارد.

پدر نادر هم مخالفتش را اعلام کرده بود و هر بار ما را می‌دید برخورد بدی می‌کرد. چند باری هم به من گفته بود این دو طوری رفتار می‌کنند که نشان می‌دهد مواد مصرف می‌کنند. به همین خاطر هم من اجازه نمی‌دادم دخترم با این جوان به مسافرت برود تا اینکه نسترن چند روز قبل از مرگش به طور ناگهانی از منزل رفت و دیگر نیامد ما خیلی تلاش کردیم پیدایش کنیم. جواب تلفنش را هم نمی‌داد. اما بالاخره بعد از چند روز جواب تلفن ما را داد و گفت که با نادر به سفر شمال رفته است و تا یک هفته هم برنمی‌گردد. وقتی از سفر برگشت من خیلی عصبانی شدم گفتم چرا بدون اینکه به من بگوید به سفر رفته است. من و نسترن دوباره با هم دعوا کردیم، درگیری بالا گرفت. او به من حمله کرد و وسایل خانه را شکست و من که دیگر نمی‌توانستم بر خشمم غلبه کنم عصبانی شدم و او را خفه کردم. من از کاری که کرده‌ام خیلی پشیمان هستم اما ۸ سال بود که دخترم اعتیاد داشت و زندگی ما در این مدت سیاه شده بود.

در جریان رسیدگی به پرونده، مادر نسترن به‌عنوان تنها ولی دم این دختر نسبت به شوهرش اعلام گذشت کرد و گفت: من شکایتی ندارم ما سه فرزند داریم. دو فرزند دیگرمان بچه‌های سربه‌راهی هستند. اما نسترن خیلی اذیتمان می‌کرد ما خانواده آبروداری هستیم. او آبروی ما و بچه‌های دیگرم را برده بود. ما هر کاری که می‌توانستیم برای نجات دخترم کردیم. یک بار او را بستری کردیم اما فرار کرد، پیش دکتر و مشاور بردیم اما فایده‌ای نداشت. او خودش نمی‌خواست که چیزی تغییر کند هر چند روز یکبار یک چیز را بهانه می‌کرد و وسایل خانه را می‌شکست و مدام به ما خسارت می‌زد. پول می‌خواست که مواد بخرد و اگر به او نمی‌دادیم حمله می‌کرد و ما را هم کتک می‌زد و وسایل خانه را خرد می‌کرد. از وقتی هم با نادر رابطه داشت بدتر شده بود. ضمن اینکه خانواده نادر هم هرگز دختر ما را به چشم عروسشان نمی‌دیدند. آنها فکر می‌کردند دختر ما برای پسرشان یک سرگرمی است و واقعیت هم همین بود چون نادر هرگز با دختری که تا این حد اعتیاد داشت ازدواج نمی‌کرد. روز حادثه هم وقتی پدرش معترض شد که چرا به شمال رفته دوباره عصبانی شد و شروع به پرخاشگری و فحاشی کرد. وسایل خانه را شکست و به سمت ما پرت کرد. شوهرم هم کنترل خودش را از دست داد که منجر به قتل دخترمان شد.

بعد از گفته‌های این زن و اعلام گذشت او از شوهرش، پرونده به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد تا این مرد از جنبه عمومی جرم محاکمه شود.